



حج چیست؟ حاجی کیست؟

غلامعلی افروز

آرامشگه تاریخ انجام می‌گیرد.

«حج»، تطهیر و جود در اقیانوس هستی است، شرک‌ستیزی و وحدت جویی است، پالایش وجود و شست و شوی جان و روان در باران رحمت خداوندی است.

«حج»، گسستن همه زنجیرهای وابستگی، رها شدن از انانیت‌ها و تشخیص‌ها و تمرین و تجربه زندگی توحیدی است.

«نماز» و «روزه» برای همه ایمان آورندگان خداجو و رهروان طریق حق،

«حج»، در مقایسه با برنامه‌های تربیتی دیگر؛ چون «نماز» و «روزه»، دو قید زمان و مکان به همراه دارد؛ به بیان دیگر، در هر روز و هر ماه و در هر مکان و سرزمینی نمی‌توان اعمال حج را به جای آورد و حاجی شد.

در برنامه تربیتی و تهذیبی «حج»، پیوند تاریخ و جغرافیای هستی را شاهدیم. به همین دلیل، «حج»، همانند روزه، به جای یک ماه، باید در چند روز خاص و زمان‌های تعیین شده انجام پذیرد.^۱

«حج»، متفاوت از نماز و روزه، فقط در مناطقی مشخص، در سرزمینی مقدس، در میعادگاه توحید، در حریم امن و

۱. روزه در یک ماه تمام (ماه رمضان) مقرر گردید و حج سه روز در ماه ذیحجه و فقط در منطقه مکه.



امری است لازم، اما انجام «حج»، بیش از همه بر افراد متمکن واجب است. در نظام الهی، هرکس که امکان حضور در همایش عظیم حج را داشته باشد و بتواند از عهده انجام برنامه‌ها و هزینه‌های آن در نهایت سادگی برآید، مکلف به عزیمت به خانه امن و هجرت از خویشتن خویش به سوی خالق منان است.

واقع امر این است که همواره کسانی که از تمول و تمکن بیشتری در زندگی شخصی و اجتماعی برخوردارند، بیش از دیگران در معرض آسیب‌پذیری‌های رفتاری و کژ روی‌های اجتماعی قرار می‌گیرند.

به کلامی دیگر، اگر تمول و تمکن با تزکیه و تهذیب همراه نباشد، می‌تواند زمینه‌ای برای تمرّد و طغیان شود. انسان متمکن بیش از دیگران تکلیف دارد.^۱ آن‌کس که از نعمت‌های الهی نصیب بیشتری دارد، از قدرت بدنی، ظرفیت فکری و امکانات اقتصادی فوق‌العاده‌ای برخوردار است، بدون تردید می‌بایست احساس مسؤولیت بیشتری کند و همواره با



۱. بقره: ۲۸۵، «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا...»؛ «خداوند بر کسی، بدون توجه به توانایی‌ها و وسعت وجودش تکلیف نمی‌کند.»

دیگری عزیمت می‌کند و می‌باید از وابستگی‌های دنیوی رها شود، از دغدغه‌های خاطر، نگرانی‌ها و اضطرابات حاصل از پیوندهای اجتماعی و تعامل و دادوستدهای بین فردی آزادگردد تا با دلی آرام و قلبی مطمئن راحل دیار توحید شود. لذا نزد این و آن می‌رود و از خویشان و یاران، همسایگان و همشهریان و همکاران و همقطاران، حلالیت می‌طلبد و از رفتار ناخوشایندی که احتمالاً با برخی از آنان در شرایط و موقعیت خاصی داشته و از غیبتی که نموده است، عذرخواهی می‌کند و با این کار، کدورت‌ها و غبارها را می‌شوید.

اگر تمول و تمکن با تزکیه و تهذیب همراه نباشد، می‌تواند زمینه‌ای برای تمرد و طغیان شود.

همچنین تلاش می‌کند قبل از سفر، همه دیون شرعی و قانونی خود را بپردازد و تصویر روشنی از وضع مالی و تسویه حساب‌ها و تعهدات اخلاقی و اجتماعی خود ترسیم نماید و به خانواده و وصی خود ارائه کند؛ چرا که «حج» سفری نیست که بی توجه به وضعیت گذشته و حال و غافل از حلال‌ها و حرام‌ها، رضامندی‌ها و

تهذیب نفس و صفای درون، در ایفای رسالت‌های فردی و اجتماعی توفیقات افزون‌تری کسب نماید.

از این‌رو «حج» امری واجب بر انسان‌های متمکن است تا مبادا این تمکن و برخورداری، در زندگی اجتماعی برای آنان مسایه تشخص و تفاخر، خودنمایی و برتری‌طلبی، تمرد و طغیان‌گری باشد. و «حج» برنامه جامعی است برای زدودن همه آفات شخصیتی و ایمن شدن در برابر محرک‌های شیطانی. اگر به دیده تأمل بر سیر مناسک و اعمال «حج» و احکام آن، از آغاز تا پایان بنگریم، به نیکی در می‌یابیم که «حج»، پالایش نفس از همه آسیب‌های روانی و کز روی‌های اجتماعی و پردازش و پدیدآوری شخصیتی است قابل اعتماد، مصون از هر فساد، متواضع و آرام، غالب و حاکم بر کشش‌های نفسانی و محرک‌های اجتماعی، بسی نیاز از آزمندی‌ها، فزون‌خواهی‌ها و به دور از نشانه‌های خودنمایی و برتری‌جویی و عبودی است صالح و آزاده، حلیم و امین در خانه و اجتماع، و «حاجی» چنین است.

از این‌رو، کسی که به سفر عرشی «حج» می‌اندیشد، احساس می‌کند که به دنیای



غافل نماند.^۳

اگر به حقیقت به «حج» آمده‌ای و می‌خواهی به منزلت و مقام «حاجی» مفتخر شوی و نشان عزت ارزشی را درون سینه‌ات جای دهی، می‌باید تمرین و تجربه دیگری را آغاز کنی.

تو خود نیک می‌دانی که «بَلِ الْإِنْسَانُ عَلٰی نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ»^۴ و دیگران نیز می‌دانند و همه روان‌شناسان و روان‌درمانگران نیز بیان می‌دارند که اساسی‌ترین آسیب‌های شخصی و مهم‌ترین آفات اخلاقی و مستعدترین زمینه‌های کژ روی و انحرافات رفتاری انسان در همه زمان‌ها و مکان‌ها،

نارضایتی‌های این و آن بتواند عبادتی مقبول باشد و «حاجی» صفتی نیست که به آسانی زینت‌بخش شخصیت هر مسافر سرزمین وحی گردد. «حاجی» شدن؛ یعنی متّصف شدن به همه فضیلت‌های اخلاقی و ارزش‌های انسانی و مصون بودن از همه رذیلت‌های اخلاقی و رها شدن از اسارت‌های نفسانی.

برای اتصاف به صفت «حاجی» و دستیابی به چنین مقام والایی، باید زحمت‌ها کشید و رنج‌ها متحمل شد. از خود به درآمد و با خدا یکی شد. ناخالصی‌های وجود را در آتش عشق سوزاند و مصفا شد. دل را از هر آنچه غیر حق است، خالی کرد و بذره‌های محبت محبوب را در آن نشاند. جسم و جان را در دریای رحمت پروردگار، تغسیل و تطهیر کرد. لباس نشان را از تن به در آورد و با تن پوشی از «سفیدی» بی‌نشان شد.^۱ در برابر همه وسوسه‌ها و تمایلات درونی و کشش‌های نفسانی، عافیت‌جویی‌ها و راحت‌طلبی‌ها ایستادگی کرد و با ایمان استوار و توکل راسخ، نیتی خالص و انگیزه‌ای مقدس، لحظه‌ای از تلاش^۲ در عرصه‌های صدق و صفا و مروّت و ایثار

۱. بخشی از هویت فردی انسان با «لباس» مشخص می‌شود. وقتی گروهی از انسان‌ها لباس یک‌شکل به تن می‌کنند، مثل بیماران بیمارستان‌ها، سربازان پادگان‌ها و یا آنگاه که همه انسان‌هایی که به حج آمده‌اند کفن‌پوش می‌شوند، تمامی فردیت‌ها، هویت‌ها و تشخص‌ها از میان می‌رود. به همین دلیل است که بعضی از بیماران متمکن دوست دارند در بیمارستان نیز لباس شخصی به تن داشته باشند!

۲. النجم: ۳۹، «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى».

۳. سعی میان صفا و مروّه.

۴. قیامت: ۱۴، «همانا انسان برکشش‌های نفسانی خود آگاه است.»

پرخاشگری آزاد باشد.^۴

- از خود ارضایی و غلیان هوس‌ها و کشش‌های جنسی رها باشد.^۵

- از تـفـاخـر و بـر تـری طـلبی و خودبزرگ‌بینی مبرّا باشد.^۶

- از زبان و رفتار تظاهر و تزویر و تحقیر و توهین جدا باشد.^۷

چرا که غالب بودن این ویژگی‌ها در زندگی فردی و اجتماعی، اصلی‌ترین آفات رشد و اساسی‌ترین آسیب‌های شخصیت انسان است.

و «حاجی» کسی است که با تمرین

۱. در حال احرام، نگاه کردن در آئینه، عطر زدن و استفاده از انگشتری زینتی و... ممنوع است.

۲. در حال احرام، پوشاندن سر و سایبان بر سر قرار دادن ممنوع است.

۳. در حال احرام خون انداختن بدن، کشتن حشرات که در بدن سکنی گزیده‌اند و... ممنوع است.

۴. در حال احرام، کندن درخت و هر رویدنی، کشتن حیوانات و جدال و مسلح شدن به سلاح‌های گرم و سرد ممنوع است.

۵. در حال احرام، خود ارضایی، معاشقه و ارتباط با همسر ممنوع است.

۶. در حال احرام، تفاخـر و مـباهات و... حرام است.

۷. در حال احرام، دروغ گفتن، تهمت زدن و فحاشی حرام است.

ریشه در برخی ویژگی‌ها و عقده‌های روانی و عدم مهار بعضی از تمایلات نفسانی دارد. و خداوند منان، صورت‌گر شاکله آدمی و علیم بر همه قوانین حاکم بر نفسانیات و ویژگی‌ها و نیازهای فطری انسان، می‌خواهد که انسان متمکن در فرایند «حاجی شدن» در یک ابتلا و امتحان عظیم، خانه دل را زیر و بم کند و بر همه کشش‌های درون و محرک‌های بیرون و آسیب‌های رشد و تعالی شخصیت چیره و حاکم شود.

از همین روست که در طریق «حاجی

شدن» و مصونیت یافتن از آسیب‌پذیری‌های روانی و اجتماعی، انسان باید آنگاه که لباس بی‌نشان احرام بر تن می‌کند و تیرگی‌ها را زدوده، با سپیدی همراه می‌شود، مقابله و مبارزه با آفت‌های شخصیت متعادل و متعالی را تمرین و تجربه کند، آنکه می‌خواهد «حاجی» شود، باید:

- از خودبینی و خودآرایی پرهیز کند.^۱

- از راحت‌طلبی و عافیت‌جویی به دور باشد.^۲

- از خود آزاری و دیگر آزاری

اجتناب ورزد.^۳

- از اندیشه تخریب و تهاجم و



ابراهیم، تو پیروزی، به جای اسماعیل،
گوسفندی قربانی کن.

طبق اخلاص بگذار، هرچه و هرکه
باشد: سرمایه‌ات، فرزندان، همسرت،
مقامت، آبرویت، شغلت، شهرت،
فزون خواهی‌ات، خودکامگی‌ات و...

حال تو که می‌خواهی «حاجی» شوی و
به برترین منزلت و مقام در جامعه مسلمانان
نایل شوی^۱ و عزت اسلامی نصیب گردد،
به اسماعیل بیندیش، خالصانه و مخلصانه
تأمل کن.

آری، اسماعیل خود را، هر آنچه
هست، در هیئت گوسفندی و شتری، در
مسلخ عشق و ایثار قربانی کن.
اکنون با توفیق در این آزمون سترگ،

۱. در بعضی از کشورهای اسلامی، آن کس که
از سفر حج به موطن خود بازمی‌گردد؛ یعنی
«حاجی»، از منزلت والایی در میان مردمان
خود برخوردار است. مردم او را امین می‌دانند
و مصون از آسیب‌ها و کژاندیشی‌ها. به همین
دلیل است که وقتی یک پزشک متخصص از
کشوری مثل مالزی «حاجی» می‌شود، ابتدا
کارت ویزیت و تابلوی مطب خود را عوض
می‌کند و نام خود را با کلمه مقدس «الحاج
دکتر...» مزین می‌نماید. اما جای بسی تأسف و
تأثر است، هنگامی که از منزلت «حاجی» در
ایران اسلامی سخن می‌گوییم!

وافی در وادی زدودن آفات رشد و استیلا بر
کشش‌های نفسانی و محرک‌های اجتماعی
و تجربه برادری و برابری، صفا و پاکی،
مروت و ایثار، زندگی هدفمند و خدا محور،
ستیز با شیاطین سرکش نفس و دشمن
معنویت، انزجار و تبری جستن از مشرکان و
ظالمان و طاغیان عصر، آماده قربانی کردن
عزیزترین هستی خویش می‌گردد.

«قربانی کردن»، مرحله‌ای با شکوه از
فرایند پر عظمت «حج» است.

اکنون که می‌خواهی «حاجی» شوی و
به مقام والای ابراهیمی نایل گردی، در
صف منادیان راستین لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ قرار گیری
و از سویدای دل لیک حق‌گویی، تو نیز
باید به نشانه توفیق در پالایش وجود و غلبه
بر همه کشش‌های نفسانی و محرک‌های
روانی و اجتماعی، صیقل دادن جسم و جان
و اخلاص و یکتاپرستی، «اسماعیل» را
قربانی کن؛ که ابراهیم چنین کرد.

عزیزترین هستی ابراهیم علیه السلام، در پایان
یک عمر انتظار و یک قرن تلاش و رنج و
محنت، فرزندی دل‌بند و پسری زیباروی و
نیکو سیرت بود که او در صحنه امتحان، به
رغم همه دل‌بستگی‌ها، آماده شد تا ریشه‌ها و
رگه‌های وابستگی را قطع کند که ندا آمد: ای

متعالی شخصیت اسلامی را در منش و رفتارهای فردی و اجتماعی تو مشاهده و تجربه نمایند.

و «حاجی»؛ یعنی مظهر مقاومت در برابر طوفان سرکش نفس، تفسیر درستی و صداقت، تجسم گذشت و ایثار، تبلور محبت و منطق و تجلی صفا و مروت.

۱. فرقان: ۶۳، ﴿وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا﴾.

بسهان بندگان ناب خدا، آرام دل و سبک بال^۱ چون پروانه، برای ایفای نقشی تازه و رسالتی نو، گام در سرزمین خود نه و به میان جمع مردمان خویش بازگردد.

اکنون رفتار و منش تو، به گونه‌ای است که گویا تولدی دوباره یافته‌ای و قلبت برای خدا می‌تپد و بس. جز حق نمی‌گویی، جز حق نمی‌جویی و جز به صراط حق گام نمی‌گذاری و همه مردم از کوچک و بزرگ و زن و مرد انتظار دارند و دوست می‌دارند که همه ارزش‌های والای قرآنی و الگوی